



۲۰۱۳/۱۱/۱۱



جليل غنى

تلاشها برای رد موافقتنامه امنیتی با ایالات متحده آمریکا

سال گذشته معاهده ستراتژیک بین افغانستان و ایالات متحده آمریکا از طرف لوی جرگه مشورتی مورد تأیید قرار گرفت و با وصف مداخلات و سنگ اندازی های کشورهای همسایه، مخصوصاً ایران که علنی از شورای ملی افغانستان خواست که آنرا تأیید نکند، با اکثریت مطلق آراء، به استثنای تعداد انگشت شماری از نمایندگان ولسی جرگه و مشرانو جرگه، نیز تأیید شد. این معاهده با سفر چند ساعته بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده به کابل در قصر ریاست جمهوری افغانستان به امضا رسید که مبین اهمیتی بود که ایالات متحده به این پیمان قایل است.

در متن این معاهده آمده است که موضوعات امنیتی در موافقتنامه دیگری که بین دولتین افغانستان و ایالات متحده آمریکا به امضا میرسد، گنجانیده خواهد شد که تأیید ضمنی را از موافقتنامه امنیتی مورد بحث، دربردارد. چنانچه حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه مشورتی مورد نظرهم تدویر این لویه جرگه را غیر لازمی شمرد و حامد گیلانی معاون این لویه جرگه هم روی همین دلیل نا موجه بودن این لویه جرگه مشورتی، قبل از دایر شدن آن، کناره گرفت.

حالا قرار است این لویه جرگه در هفته اخیر همین ماه عقرب به اشتراک در حدود دوهزار و پنجصد نماینده از سر تاسر افغانستان دایر گردد. طوریکه از نام این جرگه پیداست این "لویه جرگه مشورتی" است و صلاحیت تصمیم گیری را ندارد و صرف میتواند به حکومت مشوره بدهد و تصمیم نهائی را باز هم آقای کرزی باید بگیرد.

شاید اینکه آقای کرزی با در نظر داشت سوابق تاریخی معاهدات افغانستان با قدرت های خارجی، مثل معاهده گندمک بین امیر محمد یعقوب خان و دولت برتانیه در ۱۸۷۹، خواسته تا رای ملت را در زمینه بگیرد و در فردای افغانستان تضمینی برای برائت زمه داشته باشد کار بجائیسست مگر اینکه هدف چیزی دیگری و یا بدست آوردن امتیازی بوده باشد که آینده آنرا روشن خواهد ساخت.

اما تا جائیکه نبض جامعه و سیاستمداران و نمایندگان مردم افغانستان و افراد عادی جامعه افغانی گرفته شده همه و همه طرفدار امضای چنین موافقتنامه بین افغانستان و ایالات متحده هستند. دلیل آن واضح است. مردم افغانستان رنج نداشتن حمایت را کشیده و تجربه تلخی پس از سقوط حکومت نجیب الله در افغانستان از حکومت های تنظیمی و طالبی و جنگ داخلی و ویرانی فیزیکی و معنوی دارند. ملت افغانستان تکرار چنان روزهای سیاهی را تحمل نخواهد داشت و بنا بران با احساس هراس از دست اندازی های همسایگان بد سگال، که آشکا را در آرزوی آن هستند که افغانستان نه بحیث یک دولت مستقل و توانمند بلکه بحیث یک کشور محتاج و دست نگر تحت اداره غیر مستقیم آنها از طریق گماشتگان شان، قرار داشته باشد، امضای چنین موافقتنامه را لازمی می بیند.

این همسایگان و دست نشانندگان شان برای جلو گیری از امضا شدن چنین موافقتنامه و رد آن از جانب نمایندگان مردم افغانستان از هیچ گونه تلاش و سنگ اندازی هم دریغ نمیکنند. وقتی دیدند که تبلیغات میان تھی و بی اساس و مصاحبه ها و نوشته ها و تبصره ها جایی نمی گیرد، دست به تشکیل اجتماعات و به اصطلاح "جبهات" زدند تا بر مردم افغانستان و نمایندگان شان فشار آورند که مانع امضای چنین موافقتنامه شوند. دایر شدن جرگه و یا جلسه روز یکشنبه در کابل توسط "جبهه وحدت ملی!!" یکی از این تلاش ها ست. نظری بردایر کنندگان و اشتراک کنندگان این جرگه حکایت از نوع تفکر و امیال سیاسی و وابستگی آنها به حلقه های بیرونی دارد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

جالب اینجاست آنانیکه تا دیروز درحکومت طالبان از وجود پایگاه های القاعده وکمپ های تربیوی دهشت افغانان در افغانستان دفاع میکردند و جزء حکومت طالبان بودند، امروز بنام جبهه وحدت ملی! با امضای این موافقتنامه، که مانع بزرگی در برابر مداخلات خارجی و تفکر طالبی درافغانستان است، مخالفت میکنند که گویا قوای خارجی در افغانستان پایگاه خواهند داشت. کسانیکه تا دیروزکمپ های سلفی ها و وهابی های تندرو را در نورستان و کنر تأسیس و تمویل و مدرسه های آنها را حمایت میکردند امروز جرگه! تشکیل میدهند تا باز هم راه را برای نفوذ این تندروان و تخریبات آنها درافغانستان و منطقه فراهم سازند. وجود همین مدرسه ها و سلفی ها تا امروز از مردم بیگناه کنرو نورستان قربانی میگیرد و باعث نا امنی های درشمالشرق افغانستان شده است.

کسانیکه تا دیروز با حمایت از طالب و تندروان وهابی و سلفی های دیگری مانع تعلیم و تحصیل میشدند و مکاتب را به آتش میکشیدند و هنوز هم مکاتب را در مناطق جنوبی و شرقی مخصوصاً بروی دختران بسته اند، بازهم قد بلند کرده اند تا چنان روز گاری را برافغانستان دو باره حاکم بسازند و آنانیکه حامی و جزء آن حکومت و تفکر آن بودند امروز آنانی را که این موافقتنامه را تأیید کنند "خیانتکار" میخوانند.

در جرگه روز یکشنبه نهم نومبر ۲۰۱۳ وحید مژده که خود را سخنگوی این جرگه معرفی کرده گفت:

"افغانها در این مورد چه می‌کنند؟ افغانها هیچ چیزی به دست نمی‌آورند، به جز این که دشمنی کشورهای منطقه را کمایی کنند و جنگ در افغانستان ادامه خواهد یافت.

خواهش ما از نهاد های مهم دولتی مثل پارلمان افغانستان و اعضای لویه جرگه این است که اگر شما این سند را امضا کنید، نام شما در تاریخ افغانستان به عنوان خیانت کاران بزرگ ثبت خواهد شد."

آقای مژده هشدار میدهد که با امضای این موافقتنامه کشورهای منطقه با افغانستان دشمن میشوند و جنگ ادامه می یابد. این بدان معنی است که آقای مژده با وصف همکاری که با حکومت طالبان داشت و طرفداری که همین حالا از این گروه میکند، واضحاً معترف است که طالبان و مخالفین افغانستان دست نشانندگان کشورهای همسایه هستند و این کشورهای همسایه توسط همین اجیران جنگ را در افغانستان ادامه خواهند داد. یقیناً یکی از دلایلی که این موافقتنامه باید امضا شود و ملت افغانستان هم آنرا تأیید خواهد کرد، همین ارزیابی است که آقای مژده دارد، (البته ارزیابی او با هدف دیگری است.) آقای مژده ازدوام جنگ هراسی ندارد بلکه از شکست طالب و همقطاران آن هراس دارد و برای آخرین بار هم که شده مذبحخانه تلاش دارد با برچسپ زدن کلمه "خیانت کار" بر اشتراک کنندگان لویه جرگه مشورتی و پارلمان افغانستان، و بازی کردن با احساسات و غیرت افغانی اشتراک کنندگان لویه جرگه مشورتی، مانع تأیید این موافقتنامه گردد.

اینکه این جرگه آقای مژده و احمد شاه احمدزی از کدام طرف تمویل شده و تمام مصارف پنج هزار اشتراک کننده از طرف کدام منبع پرداخته شده، خودسوال برانگیز است.

اما مسأله اساسی اینست که با در نظر داشت آنچه از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۱ درافغانستان گذشت، که تذکر مختصری از آن در بالا رفت، دولت افغانستان درموقیعی قرار دارد که نه تنها با مخالفین مردم افغانستان، که با منابع وافر مالی ربال و کلدان و اسعاردیگر میجنگند، مقابله کند بلکه تمامیت ارضی، حاکمیت ملی واستقلال کشور را نیز تضمین و حراست از سرحدات راهم تأمین نماید و مانع تجاوزات پنهان و آشکار همسایگان مداخله گر گردد؟

برخورد احساساتی در برابرمسایل خطیرملی از این قبیل، بدون در نظر داشت عواقب آن، نتیجه جزویرانی و صدمه زدن برشئون حیاتی یک ملت اعم از سیاسی، اقتصادی، علمی، تخنیکی، فرهنگی و اجتماعی ندارد. جای شک نیست

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

که تصمیم درمورد چنین مسائلی مستلزم مشوره، نظر خواهی، ارزیابی دقیق از اوضاع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و تحلیل اوضاع منطقه و همسایگان است و منافع ملی کشور در صدر اولویت ها قرار دارد چنانچه از بیش از یک سال به اینطرف این موافقتنامه مورد بحث و مذاقه قرار داشته است. یقین کامل است که تمام جوانب و حساسیت های ملی و منطقی مد نظر بوده است در غیر آن تصمیم گیرندگان جوابگوی تاریخ خواهند بود.

تحلیل ها و تعبیرهای که از چنین موافقتنامه ای تا کنون از طرف آگاهان سیاسی و نظامی بعمل آمده آنرا به نفع افغانستان و آینده این کشور ارزیابی کرده اند و آنرا برای تأمین امنیت و جلوی گیری از عملیات دهشت افگنی در افغانستان و منطقه مفید دانسته اند. با تأسف باید اذعان نمود که منطقه که افغانستان متعلق به آنست و مخصوصاً مناطق هم مرز با خط دیورند، منبع و منشأ دهشت افگنی خوانده میشود که نه تنها باعث کشتار و تخریبات در افغانستان گردیده است بلکه پاکستان هم که از این گروه ها بحیث وسیله فشار برای برآورده ساختن اهداف سیاسی استفاده نموده، بیشترین تلفات و صدمات رami ببیند. لذا همکاری کشور های همسایه برای ریشه کن کردن دهشت افگنی یک امر لازمی و به نفع همه کشور های منطقه و جهان است. ما شاهد عملیات دهشت افگنی که از همین کشاله سرحدی سرچشمه گرفته، در شمال افریقا و شرق میانه و حتی دورترها هستیم.

امضای موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده امریکا، با در نظر داشت مصالح علیای کشور و منافع ملی، یک ضرورت تاریخی برای افغانستان است تا از گسترش چنین عملیات دهشت افگنی در آسیای میانه و آنسو تر جلوگیری شده بتواند. ورنه همانطوریکه امروز پاکستان در محاصره قوای دهشت افگن قرار گرفته، تلفات و صدمات زیادی را شاهد است و هر جا انفجاری میشود و یا حمله انتحاری بعمل آید عامل آن کسیست که یا تعلقاتی با پاکستان دارد و یا در آنجا تربیه شده است. امروز پاکستان بحیث یک کشور منشأ دهشت افگنی در جامعه جهانی معرفی شده است و اگر بار دیگر افغانستان تنها گذاشته شود و امنیت آن در برابر چنین همسایگانی تضمین نگردد، این احتمال موجود است که فردا افغانستان پایگاهی خواهد بود برای این دهشت افگنان و مرکز فعالیت های تخریبی شان در آسیای میانه و آنسو ترها.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ